

## پرورش افکار بدیع

**عادات و روایات :** طریقه محدود و معینی که از زمان باستان برای انجام امری معمول و متداول بوده تولید یک نوع مؤانستی در مانموده است که از آن بعادت تعبیر میکنیم . منظور از لفظ روایات جمیع عوارث روحی و فکری گذشتگان میباشد که تسلیم نسل بمابریث رسیده و عبارتست از طریقه تفکر محدود و معینی درباره امری و موضوعی . این دو اثر میزان نفوذ و استیلاء گذشتگان را بر نسل های بشری آشکار میسازد . میتوان گفت کلبه سنن و رسوم و عادات فعلی ما را اسلاف ما بر ما تحمیل کرده وبدون اینکه در اصل و منشأ پیدایش و طریقه تعلیم و رواج آنها دقتی کنیم و آنها را مورد تعقل و قضاوت قرار دهیم در مقابله قدرت آنها تسلیم خم کرده و پیشانی اطاعت و انقیاد بر زمین سائیده ایم .

### انقیاد در مقابل سنن و رسوم

تقلید افعال و اعمال و ورش زندگانی دیگران بدون تحقیق و تأمل در بیک و بدان ایجاد نمیدهند . افرادی که میخواهند توانائی و شخصیت ولیافت خود را در فرجه اثبات کنند باید در عین رعایت این سنن و رسوم متوجه باشند که در مقابل آنها انقیادشان ندهند . فردی که در میان يك جامعه و ملت زندگی میکند برای تأمین رفاه و آسایش و تهیه موجبات ترقی و نیکیبختی خویش باید بر همه این سنن و رسوم تسلط کامل پیدا کند و آنها را برای اجرای امری که انجام آنرا وجه همت خویش قرار داده مورد استفاده قرار دهد .

### انقیاد در مقابل نظامات و قواعد و صفتها ها و امثال سائره

مبنا بر عادت در مواردی که با بعضی مسائل نسبتاً مشکل مواجه میگردیم بجای اینکه از قوه مفکره خویش استعانت جستیم و دماغ خود را برای حل موضوع بکار اندازیم

متشبت با امثال و حکم شده و ضرب المثالی سایر را بر زبان می‌رانیم و به همین اکتفا می‌کنیم. ولی باید دانست که این رویه علامت انحطاط فکری و دماغی ما میباشد.

تشبت بقواعد عمومی و امثال سایر در موقعی که حل معضالی لزوم قطعی تنکر را ایجاد میکنند برای اینست که از زیر بار عمل و فعالیت که شرط و وسیله پیشرفت است فرار کرده و از زیر بار تفکر و بررسی شانه خالی کنیم. ما میخواهیم بدین وسیله و با اتخاذ این رویه تجارب دیگری را وسیله حل و فصل قضایا قرار دهیم و نمیخواهیم از تجاربی که شخصاً در مدت عمر خویش متن اندوخته ایم استفاده کنیم. بدون اینکه خرد عتوجه باشیم میخواهیم حوادث و مسائل دنیای امروز را بوسیله قواعد و عقاید دیروز حل کنیم در صورتی که بزرگترین اشکال کار ما اینست که حوادث و اوضاع گیتی معروض چنان تغییر و تحولی واقع گردیده که افکار و آراء گذشته برای حل آن نارسا و بی‌فایده است.

مشاهده برخی افراد که در این گونه نمرینت تخصصی بسزا کسب کرده و سعی دارند تمام مسائل گوناگون زندگی را با استعانت قواعدی که بحافظه سپرده‌اند و یا با ذکر یکی از امثال سایر حل کنند نشان میدهد که این قواعد و امثال و گفته‌ها چگونه روح و فکر ما را بسوی بردگی سوق داده و طوق اسارت برگردن فکر ما ساخته است. اعتیاد باین رویه نامطلوب روح ابداع و انکار را در ما میکشد و قوه مفکره ما را باختناق مبتلا میسازد.

### انقیاد در مقابل کتاب و آراء اجتهادی

یکی از علائم ضعف قوای فکری ما اینست که بدون تأمل و دقت در مقابل آراء اجتهادی مشاهیر علم و ادب مطلقاً تسلیم فرود می‌آوریم و اگر کسی در باب رشته بخصوصی تخصصی حاصل کرده در سایر رشته‌ها و موارد نیز قول و عقیده او را حجت میدانیم. مردم سطحی و بی‌فکر چنین کسی را در کلیه علوم و مسائل زندگی محیط دانسته و چشم بدهان وی میدوزند. حتی خود این شخص اگر عاشق شهرت و خواستار آوازه است را جمع بهر موضوعی که بوی رجوع شود نظر ها اظهار داشته

و عقایدی ظاهر میسازد تا آنجا که رفتند رفته خود او نیز نسبت بخود باشتباه می-  
افتد و در هر موضوع خود را مرجع تقلید می‌شناسد. کسانی که در رشته ای که مورد  
توجه و میل آنهاست اطلاعاتی کسب کرده و تا حدی حجت شناخته شده اند رجوع  
بعقاید محققین دیگر را در پیرامون همان موضوع و مطلب منافی شهرت و اعتبار  
خوبش می‌شمارند و اینگونه اشخاص دریابان کار جز يك تمثال زنده ای از شهرت  
چیز دیگری نتوانند بود.

این گونه انقیاد بشکل دیگری نیز در زندگانی ما رواج دارد که تسلیم در مقابل تمام  
مندرجات يك کتاب باشد بدون اینکه شخصاً در صحت و سقم آن قضاوت و تمقل کنیم. ما معتقد  
میشویم که همه دانش و تربیت و اطلاع را تنها در صفحات کتاب میتوان بدست آورد  
و بدینوسیله در صحت تمام تجربیاتی که در جریان امور و حوادث بدست آورده ایم  
با دیدهٔ تردید مینگریم و ارزش و اهمیت آنها را در زندگانی انکار میکنیم. در نظر  
بسیاری اشخاص تحقیق و تمیع عبارتست از اینکه مندرجات کتاب را طوطی وار تکرار  
کنند، حتی برخی اشخاص دیده میشوند که مبالغه را در این مورد بعد اعزاق رسانیده  
و بحافظه سپردن مندرجات يك کتاب و با قسمتی از آن کتاب را یگانه علامت تحقیق  
و تمیع می‌شمارند.

در زمان سابق اکثریت مردم معتقد بودند که تربیت و تعلیم عبارتست از مطالعهٔ  
قسمتی از آراء و اقوال برخی از متفکرین یونانی و لاتینی در زبان لاتین و یونان  
و حتی امروز هم نظایر اینگونه اشخاص که دانستن زبان لاتینی و یونانی را تنها شرط  
و علامت دانش و علم میدانند در میان ما زیاده دیده میشود. اگر کسی از دانستن این  
دو زبان محروم بود بدون توجه و اعتنا بوسعت اطلاعاتی که در نتیجه تجربه و آزمایش  
حاصل کرده بود و بدون اینکه لیاقت و استعداد او را بچیزی بشمارند اعتبار و اهمیتی  
برای او قائل نبودند. کتاب برای افزودن دانش ما بسی مفید و مؤثر است ولی مندرجات  
آن هر قدر هم کهنه و سست و ناچیز باشد خواننده را اقماع میکنند و معتاد میسازد  
که در هر مورد و برای حل هر مسئله بحای اینکه بفکر و نظر خویش تنگی نکند

و از عقل و ادراك خوبشمن استعانت جوید بکتاب مراجعه کرده و مندرجات آنرا  
مأخذ و سمند خویش قرار دهد .

آباهیج متوجه شده ابدکه گروهی بی شمار صاحبان مشاغل مختلفه در مقابل  
تسلیم باینگونه عادات و پیدروی از رسوم گذشتگان روح ابداع و ابتکارشان پشمرده شده  
و سرانجام در میدان زندگانی دچار شکست و ناکامی میشوند؟

حرف و مشاغل مختلف گروه بشمار مردم را بنظر آورید: چگونه است که عده  
کثیری از آنها باوجود لیاقت و استعداد و قریحه ذاتی در مدارج پست زندگانی می  
نمایند و نمی توانند منشاء کوچکترین اثری در جریان زندگانی دیگران بشوند .

این قضیه را بدین گونه تعلیل توان نمود: کسی که نمیتواند مستقلا در  
قضایای زندگانی تفکر و تعقل کند فاقد روح ابداع و ابتکار است و طبیعا نخواهد  
توانست بر قوا و عواملی که دائما میخواهند زنجیر انقیاد بگردن فکروی اندازند  
دست یابد .

برای راهبری و راهنمایی دیگران در دنیای فکر و تعلیم و تربیت پیش از هر چیز  
باستقلال روحی و فکری و قدرت تفکر و عمل و اقدام احتیاج داریم و در این قسمت  
تنها کافی نیست که قدرت تفکر و جسارت عمل و اقدام ما با دیگران مساوی باشد بلکه  
لازم است در این قسمت بر دیگران ممتاز باشیم تا بتوانیم بر راهنمایی و راهبری آنها  
موفق گردیم .

مسئله مهمی که در اینجا بنظر میرسد اینست: روح ابداع و ابتکار را چگونه  
میتوان پرورش و نشوونما داد؟ چگونه خواهیم توانست این روح را در دانش آموزان  
برانگیزیم؟ این موضوع محتاج بیحث بیشتری است .